

مذاکرات محرمانه!!

کنفرانس ۱+۵ ژنو

امیرفیض - حقوقدان

آنطور که خبرها میگویند قرار بوده که مذاکرات بین ۱+۵ با نمایندگان جمهوری اسلامی محرمانه باشد و باز آنطور که خبرها میگویند مذاکرات ژنو نتوانسته محرمانه بماند.

محرمانه یعنی چه

رازی که بین دونفر باشد محرمانه تلقی میگردد، و همینکه راز مزبور بین سه نفر یا بیشتر بود دیگر عنوان محرمانه دادن به آن نادرست و یا ازسربى اطلاعی و بی احتیاطی است.

راز محرمانه اگر فاش شود یعنی خلاف عهد رفتار بشود کاملاً برای هردو طرف معلوم است که کدام یک خلف وعده و نامردی کرده است ولی اگر رازی بین سه و یا بیشتر محرمانه تلقی گردد چون معلوم نمیشود که چه کسی خلاف عهد رفتار کرده حکماً آنرا محرمانه تلقی نمیکند.

فاش کردن اسرار دیگران در فرهنگ ما ایرانیان بسیار با اهمیت و معیار نامردی مطلق شناخته میشود.

حافظ بیت معروفی دارد که اهمیت رازداری را نزد ما ایرانیان نشان میدهد:

گفت آن یار کزو گشت سردار بلند جرمش این بود که اسرار هویدا میکرد

رابطه فاش کردن اسرار یا مجازات مادی و یا اخلاقی فاش کننده سبب شده است که رازبیش از دو نفر بیشتر راز و یا امر محرمانه محسوب نشود.

حقیقتاً جای حیرت است که چگونه هیئت ایرانی بریاست وزیر خارجه جمهوری اسلامی مذاکراتی را که حدود ۱۵۰ نفر مشتمل بر شخصیت های خارجی نمایندگان کشورهای ۱+۵ و گروهی خبرنگاران مطبوعات جهانی و نیز انبوهی از روزنامه نگاران ایرانی آنها در تعدادی که موجب اعتراض ایرانیان شده وزیر خارجه ایران مذاکرات را محرمانه تلقی کرده است.

اساساً دردنیای امروز و آزادی مطبوعات و دستگاههای جاسوسی و شنود میتوان توقع محرمانه بودن مذاکرات را داشت که وزیر خارجه جمهوری اسلامی بران یک باور قراردادی بسته است؟

آری آدمهای عقب مانده از دنیای امروز و تربیت شده اسلام ۱۴۰۰ سال بیگانه با علم و صنعت امروز همانطور فکر میکند که جواد ظریف در رابطه با محرمانه بودن مذاکرات ژنو تصور کرده است.

احمقی که خودش میدانند که احمق است

آقای رابین رایت کارشناس موسسه صلح آمریکا در مجله تایمز در سال ۱۳۹۲ نوشت:

در سال ۲۰۰۷ که محمد جواد ظریف سازمان ملل متحد را ترک میکرد از او پرسیدم به عنوان سفیر ایران در سازمان ملل متحد در ۵ سال گذشته چه دستاوردی داشته است. او آهی کشید و گفت؛ «نچندان» و او ادامه داد «یک آرمان گرای احمق که در زندگی دیپلماتیکی اش امتیازات یکطرفه داده و هیچ دستاوردی نداشته است، این چیزی است که ایرانیان درباره من میگویند» او با افسردگی به ایران بازگشت و خودش را در محیط دانشگاهی محو ساخت و عهد کرد دیگر به دیپلماسی برنگردد.

این چنین آدمی معلوم است که باور میکند مذاکرات او ۱+۵ میتواند محرمانه تلقی گردد.

خبرها از این قرار است که وندی شرمن معاون وزارت خارجه آمریکا و رئیس هیئت مذاکره کننده آمریکا در گفتگوی تلفنی با یعقوب عیدور رئیس شورای امنیت ملی اسرائیل وی را در جریان جزئیات مذاکرات ژنو گذاشت و بر اساس گزارش ها آرتص که خبرش را منتشر کرده هیئت انگلیسی ۱+۵ هم مستقیماً از ژنو به اسرائیل رفته و گزارش مذاکرات رابه تل آویو داده اند. همین روزنامه متذکر شده است که گزارش مذاکرات با ایران در سابق هم به اسرائیل داده میشده است.

چرا آمریکا گزارش ژنو رابه اسرائیل داده است

در شصتیمین سالگرد تاسیس کشور اسرائیل کمیته روابط خارجی مجلس سنای آن کشور AIPAC طرحی رابه امضای ۷۹ نماینده جمهوریخواه و دمکرات تهیه کردند که بر اساس آن اگر اسرائیل مجبور شود برای دفاع از تمامیت ارضی، مردم و موجودیت خود دست به عملیات نظامی علیه ایران بزند آمریکا موظف است از لحاظ سیاسی و اقتصادی و نظامی به اسرائیل کمک کند و همچنین در طرح مزبور آمریکا متعهد شده است برای جلوگیری ایران از دستیابی ایران به سلاح اتمی تلاش کند. (کیهان لندن ۱۱ اردیبهشت ۹۲)

طرح مزبور که نمیدانم بتصویب رسیده یاخیر ولی بهر حال همبستگی سیاسی و نظامی آمریکا و اسرائیل را در رابطه با کنفرانس ژنو و هرگونه مذاکرات دیگر که مربوط به فعالیت های هسته ای باشد رانشان میدهد.

همین مصوبه، آمریکا را ناچار و ملزم میسازد که اسرائیل را در جریان مذاکرات ژنو قرار بدهد تا اسرائیل یکطرفه اقدام به عملیات نظامی نکند که آمریکا هم ناچار به دخالت نظامی بسود اسرائیل بشود.

اکنون این سوال مطرح است که وندی شرمن رئیس هیئت آمریکائی میتواند سیاست همکاری با اسرائیل را که بتصویب کنگره رسیده به خاطر تقاضا و دلخوشی آقای عراقچی نادیده بگیرد و مذاکرات را محرمانه تلقی کند؟

اگر هیئت ایرانی کنفرانس ژنو به مسائل سیاسی و استراتژیکی اسرائیل و آمریکا آگاه بود و یا اهمیت میداد ممکن نبود چنین تقاضائی را درخواست کند، این نوعی غفلت و نا آگاهی است که هنوز چیزی نشده

هیئت ایرانی از خود نشان داده است، وای به سرنوشت مذاکراتی که طرف مقابل دست خالی و سطح دانائی طرف رابخواند.

آریل شارون، نخست وزیر اسرائیل گفته است که اسرائیل است که سیاست خارجی آمریکا را مدیریت میکند.

همه مردم دنیا هم میدانند که آمریکا به نیابت اسرائیل در رابطه بامسائل خاورمیانه عمل میکند و اساسا مدعی واقعی فعالیت های هسته ای ایران اسرائیل است و این آمریکاست که در راستای حمایت از اسرائیل متعهد شده که فعالیت های هسته ای ایران را متوقف کند.

در چنین حالتی چاره‌یست ایرانی باید آنقدر خامی و حماقت از خود بروز دهد که همه جهانیان برایش آنها بخندند؛ اعلام کند که توافق شده مذاکرات محرمانه تلقی گردد و بعد چنین گذش درآید.

موسسه بروکلنگز در تحلیلی بقلم سوزان مالونی نوشت «مذاکرات ژنو آغاز راه بود نه یک مصالحه و احتمال پذیرش پروتکل الحاقی و بخشی از بسته پیشنهادی ایران در این مذاکرات می‌رود»

یعنی موسسه مزبور اصلا قائل به مذاکرات نیست تا چه رسد به مصالح در باب محرمانه بودن مذاکرات.

مهمترین رکن محرمانه بودن مذاکرات دو طرف وجود رابطه اعتمادی بین آن دو طرف است، در حالیکه هم عراقچی و هم ظریف و هم خامنه ای صریحا آمریکا را بی اعتماد و بی صداقت میدانند و درست هم هست و جریانات اخیر شنود های متقلبانه آمریکا از شخصیت های سیاسی و کل مردم جهان، مهربی اعتمادی به آمریکا زده شده است، چگونه هیئت ایرانی خواستار محرمانه بودن از همان آمریکای بی صداقت و بی اعتماد شده اند.

علاوه بر مراتب بالا

وندی شرم و هیئت انگیزی ۱+۵ میدانند که:

- ۱- خواست عراقچی ویا ظریف یک استدعا و خواهش است و قبول آن جنبه تعارف دارد و متوقف به عمل و آثار نیست.
- ۲- مذاکرات ژنو که سخت مورد توجه جهانیان است، حتی پشت درهای بسته هم انجام نگرفته تا چه رسد که محرمانه تلقی شود.
- ۳- نظریه اینکه چنین درخواستی قبل از تشکیل اجلاس مزبور در دستور جلسه نبوده اساسا قابل طرح نبوده است زیرا خبرنگاران جراند به اعتبار آزاد بودن مذاکرات و محرمانه نبودن است که در ژنو جمع شده اند و اگر دستور جلسه محرمانه بودن مذاکرات بود مسلما آن تعداد خبرنگار به کنفرانس ژنو نمیامدند.
- ۴- همانطور که گفته شده هیئت ایرانی در پایان مذاکرات خواستار محرمانه بودن مذاکرات شده است و این بدان معناست که بعد از آنکه خبرنگاران حاضر در کنفرانس، اخبار و جریان مذاکرات را مرتبا به مرکز رسانه ای خود خبر داده اند موضوع محرمانه بودن مذاکرات مطرح شده است و این جریان چگونه قابل توجیه است؟

۵- هیئت ۱+۵ از این درک غافل نبوده که درخواست هیئت ایرانی نوعی جنباندن سلسله دوستی و تظاهر به هم نیتی با طرف است، چنانکه آقای نیکلاس برنر در روزنامه بوستون نوشت:

«کلمات دلنشین روحانی و اشنگتن را تحت تاثیر قرار نخواهد داد و هرچند بهایی مطلوب دارد اما توازن سیاسی رابهرهم نخواهد زد او اضافه کرده است > دولت آمریکا برای هر نوع توافق با ایران نیازمند همراهی کنگره و اسرائیل است و بهمین دلیل باید از اهرم فشار تحریم ها علیه ایران استفاده شود»

داستان دم جنباندن جمهوری اسلامی از توجه سعدی نیز بدور نمانده و در گلستان آورده است:

«دشمن چو از حیلتی بازماند سلسله دوستی رابجنباندن تا به دوستی کارهایی کند که در دشمنی نتواند کرد (گلستان سعدی)

جمهوری اسلامی از سر نادانی و بی اعتنائی، محرمانه بودن مذاکرات رابه پای حسن تفاهم با ۱+۵ گذاشته است، در حالیکه این نیرنگها ممکن است در سیاست داخلی کشورها رنگ و بویی داشته باشد ولی در روابط سیاسی خارجی تاثیر منفی آن بمراتب بیشتر از تاثیر مثبت آن است.

عباس نراقی قبل از وندی شرمن دسته گلش رابه آب داده.

چند روز قبل از اجلاس ژنو آقای عراقچی و نیز علی لاریجانی بسته پیشنهادی جمهوری اسلامی را به رسانه ها چنین اعلام کرده اند:

«موضوع مذاکرات، شکل و اندازه و سطح غنی سازی اورانیوم خواهد بود یعنی از یک درجه تا ۲۰ درجه و نوع آنهم که چه باشد خواهد بود»

مذاکرات اجلاس ژنو در رابطه با محتوای بسته پیشنهادی جمهوری اسلامی بوده است. و وقتی که محتوای بسته محرمانه نبود چگونه ممکن است مذاکرات آن محرمانه تلقی شود خاصه به اینکه بسته پیشنهادی جمهوری اسلامی مورد نقد و تفسیر هم قرار گرفته است.

روزنامه هآرتس متن مذاکرات ایرانی ها (همان مذاکراتی که هیئت ایرانی خواستار محرمانه بودن آن بوده اند) چنین نوشته است:

«ایرانی ها گفتند که آمادگی توقف غنی سازی به میزان ۲۰ درصد و تبدیل ذخیره اورانیوم غنی شده به میزان ۲۰ درصد سوخت هسته ای نیروگاه های تحقیقاتی در تهران را خواهند داشت، سومین کاری که ایرانی ها پیشنهاد کرده اند، اعلام آمادگی آنها برای انجام مذاکرات درباره مقدار و حجم و غنی سازی اورانیوم به میزان ۵ درصد است و تعداد سانتریفیوژهایی است که از آنها در تاسیسات غنی سازی استفاده میشود»

اکنون خود پرسى کنیم آا اولین کسی که طرح ایران را فاش کرده نراقی و لاریجانی بوده اند یا اسرائیلی ها و شرمن آمریکایی؟

همینجا جادارد نگاهی هم داشته باشیم به آنچه که آمریکایی ها در مصالحه با ایران انتظار دارند.

حماز ایران میخواهیم اینکه درب تمام تاسیسات هسته ای اش را بکشاید و از شر اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده خلاص شود - به تهدید های خود علیه اسرائیل پایان دهد - از نقص گسترده حقوق بشر دست بردارد - سیاست هایش رانسبت به حماس و حزب الله تغییر دهد - رویکرد سازنده ای درباره سوریه درپیش گیرد - در عوض به ایران چه خواهیم داد،

برخی از تحریم هار ابرداریم - به طیف وسیعی از عملیات مخفی پایان دهیم - تغییر حکومت را از دستور کار حذف کنیم حق غنی سازی را تا ۵ درصد برای ایران در دستور کار بگنجانیم و بر روی نقش ایران در منطقه تاکید کنیم. (راجرز کوهن - نیویورک تایمز)

تفاوت خواست جمهوری اسلامی (بسته پیشنهادی) و انتظار و خواست آمریکا نشان میدهد که این قافله تابه حشر لنگ است.

محرمانه بودن و پشت درهای بسته

باید فرق گذاشت بین «مذاکرات پشت درهای بسته» با محرمانه بودن مذاکرات. گفتگو پشت درهای بسته به آن معناست که بیانیه ای درپایان گفتگو صادر نمیشود ولی برای خبرنگاران دعوت شده به جلسه مذاکرات، منعی درانتشار دریافتهای خودشان نیست و ورود برای همگان و یا خبرنگاران غیرمدعو آزاد نمیشود.

ولی مذاکرات محرمانه مذاکراتی است که بین دونفر انجام میشود و نه خبرنگاری وجود دارد و نه اشخاص دیگر و شرط مذاکرات محرمانه و یا پشت درهای بسته هم این است که قبل از شروع مذاکرات در دستور جلسه قید شده باشد.

قرارداد های محرمانه و مذاکرات محرمانه

قرارداد های محرمانه بین دو و یا چند کشور در حقوق سیاسی کشورها رایج است. در اصل ۲۴ قانون اساسی مشروطیت ایران و همچنین در متمم به آن اشاره شده است و معمولاً احتیاطی است که برای حفظ منافع کشورهای طرفین قرارداد در مقابل کشورهای دیگر رعایت میشود ولی مذاکرات محرمانه هیچ پایگاه قانونی ندارد.

تاریخ نشان نمیدهد که مذاکرات و یا حتی قراردادهایی، محرمانه مانده باشد و این امر در حقیقت در ذات انسان است که عادت ندارد چیزی را پنهان نگه دارد و راز پنهان یک بارسنگینی است که میخواهد با افشای آن خود راسبک کند (داستان اسکندر شاخ دارد) نمونه فرهنگی این عادت است.

در جریان اختلاف خمینی و منتظری کسی غیر از احمد پسر خمینی و هاشمی داماد منتظری و رفسنجانی در جریان نبود و قرار گذاشتند که قضیه کاملاً محرمانه بماند تا شاید فیصله یابد ولی فردا شب رادیو بی بی سی - سی آنرا فاش ساخت (موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب)

قرارداد ۱۹۱۹ که بین انگلیسها و وثوق الدوله كاملا محرمانه تنظيم شده بود قبل از اينكه ايرانيان آگاه شوند روزنامه های فرانسه و آمريكا نوشتند كه وثوق الدوله ايران رابه انگليسيها فروخت.

زيان مذاكرات محرمانه

علت انتخاب مسير مذاكره محرمانه معمولا دوجيزاست اول كاري كه خلاف قانون است دوم توافق طرفين به تضييع حق يكي از دوطرف بوسيله طرف ديگر (نمونه قرارداد ۱۹۱۹ و قرارداد الجزاير درمورد گروگان های سفارت آمريكا)

همواره كشورهايي كه خودرا درموقعيت شكست و تسليم ميدانند شديدا خواستار محرمانه بودن مذاكرات هستند چراكه هم از خفت كارميكاهد و هم احساسات ناسيوناليستي مردم بيدار و پريشتاب نميشود درخواست محرمانه بودن مذاكرات ازسوي هيئت ايراني چيزي جز درماندگي و حضور در جريان تسليم نيست.

درمورد قرار داد الجزاير بمناسبت محرمانه بودن مذاكرات بقرار گزارش آقاي دكترسيد محمود كاشاني كه يكي از اعضاي ديوان داوري لاهه بود درگفتگوي باروزنامه ايران فاش ميكند كه چگونه مامورين و متصديان حكومت ايران (نخست وزيری موسوی) بر اثر بي كفايتي و ناداني چه خسارات بسيارسنگيني به ايران و بئفء آمريكا وارد ساختند.

دريك جا دكتر كاشاني نوشته است < گروه ايراني به سرپرسي آقاي بهزاد نبوي در تدوين قرارداد نقش انفعالي داشته و چيزي را كه آمريكا تهيه کرده قبول نموده اند درحاليكه درچنين قراردادي بايد بند های آن از سوي كارشناسان و حقوقدانان مورد بررسی قرارگيرد من يقين دارم كه گروه ايراني بسياري از بندهای آن موافقت نامه را اصلا درك نکرده اند >

مذاكرات وقتي آشكارنبود ومنتج به قرارداد شد ديگرچه اعتراضی ميتوان کرد درجريان مذاكرات است كه اشخاص آگاه و مطلع ميتوانند با انتقاد و هدايت مسير قرارداد رامنظم و خالي اززيان سازند.

اشراف آمريكا بر اطلاعات

امروزه آمريكا عليهرغم محدوديت های موجود درروابط كشورها درفعاليت برای كسب اخبار واهداف سياستمداران و صاحبان صنايع و برنامه های اقتصادي كشورها شهره آفاق شده است حتى تلفن خصوصي و همراه صدراعظم آلمان راهم كنترل ميكند، دربزيل هم همينطور، آمريكا نام اين برنامه را «جيني» نهاده و بقرارنوشته روزنامه لوموند درسال ۲۰۱۱ دولت آمريكا برای راه اندازي اين شبكه ۶۵۲ ميليون دلار هزينه کرده است، درراستاي اين برنامه نوشت: <آيالت متحده جلوتر از برگزاري جلسه شوراي امنيت از نظر و رای اعضا درمورد وضع تحريم های عليه ايران آگاه بوده است >

درسال ۱۳۹۱ آقاي جي كاري سخنگوي كاخ سفيد گفت: < آمريكا به برنامه هسته ای ايران اشراف دارد - ماچشم و گوشهائي در نهاد های هسته ای ايران داريم > (كياهان اول شهريورماه ۱۳۹۱)

نشريه انگليسي گاردين نوشته است: < براساس سندی كه بدست آورده يك مقام آمريكائي كه نامش ذكر نشده ۲۰۰ شماره تلفن را فهرست کرده و خواسته است كه سازمان امنيت ملی آمريكا فوراً اين خطوط

تلفن رازینظر بگیرد، به گفته این نشریه بریتانیایی شماره تلفن ۳۵ تن از رهبران جهان هم در بین آنها بوده است.

اینها قرآنی است که نشان میدهد کل و جزء برنامه های جمهوری اسلامی و مذاکرات آنها زیر کنترل و دید و شنود آمریکاست.

شمایی از شیوه شنود پنهانی از راه آی پی و صدا.

